

تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران و ظرافت‌های ضد تحریم

نویسندگان: وحید صدقی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۷

مصطفی چراغی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۵

۱۳۳

چکیده

ماهیت، آهنگ و شیوه مقابله با تحریم‌های آمریکا علیه ایران، موضوع مقاله حاضر است. نویسندگان با اتکای به تجربه‌ها و نیز متون منتشر شده، استدلال می‌کنند که اولاً، تحریم‌های آمریکا علیه ایران موجی شتابنده و گسترش‌یابنده است؛ و ثانیاً، تحریم‌ها به‌رغم گستردگی و هدف‌گذاری‌های ضدایرانی، به‌صورت معقولی قابل مهار و مدیریت‌اند. اما آنچه بر اثربخشی و کفایت این تحریم‌ها افزوده است، مقوله خودتحریمی است که در پرتو آن ساختارهای داخلی، اثربخشی تحریم‌های خارجی را مضاعف می‌سازند. نویسندگان بر این باورند که با رفع برخی نارسایی‌ها و ناهماهنگی‌های موجود در ساختار اقتصادی و نیز تصحیح بعضی باورهای فرهنگی-اجتماعی می‌توان تحریم‌ها را مهار و در میان‌مدت آن را به ضد تحریم تبدیل نمود. جهت‌گیری اصلی مقاله، موضع دوگانه آمریکا و مقاصد و برنامه‌ریزی آن برای اعمال و تشدید تحریم علیه ایران است.

واژگان کلیدی: خودتحریمی، باورهای فرهنگی-اجتماعی، مدیریت دولتی، ساختار بوروکراتیک، روند تحریم‌ها، موازی‌کاری، اتاق فکر

* فارغ‌التحصیل کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه خوارزمی تهران v.sedghi1404@yahoo.com

** فارغ‌التحصیل کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس تهران

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال چهاردهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۵۸-۱۳۳.

در پی لغو تعلیق غنی‌سازی اورانیوم در ایران (۲۰ دی‌ماه ۱۳۸۴) و به‌دنبال آن، تصمیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای حکام و شورای امنیت سازمان ملل متحد در جلسه چهارم فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام، تحریم‌های سازمان ملل و تحریم‌های یک‌جانبه‌ای از سوی اروپا و ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال شده است. از زمان آغاز تحریم‌های مرتبط با پرونده هسته‌ای (دیماه ۱۳۸۵، قطعنامه شماره ۱۷۳۷ شورای امنیت) تا زمان شدت گرفتن آنها، پروسه‌ای شش ساله طی شده و هم‌اکنون با تحریم‌های یک‌جانبه خرید نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا و تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران توسط اتحادیه اروپا و آمریکا، این حلقه علیه ایران تنگ‌تر و وارد فاز جدیدی شده است.

به‌منظور بررسی دقیق‌تر چگونگی اثرگذاری آنها بر اقتصاد ایران، به نظر می‌رسد علاوه بر تاثیرات مستقیم تحریم‌ها، باید به‌دنبال عوامل مکمل دیگری در کنار تحریم‌های خارجی بود که زمینه‌ساز اثرگذاری هرچه بیشتر بر اقتصاد کشور می‌شود. این عوامل داخلی را به‌نوعی می‌توان اصلی‌ترین دلایل در مبتلا شدن به این وضعیت نامناسب اقتصادی و روابط نامطلوب خارجی در تمامی حوزه‌ها دانست که واقعا نمی‌توان منکر فشارهایی شد که از این ناحیه بر مردم وارد می‌آید. در این مقاله برای روشن شدن این ادعا، از مفهوم «خودتحریمی» بهره‌مند خواهیم شد، که به‌نوعی اصلی‌ترین موضوع، تشدیدکننده تحریم‌های خارجی و دلیل اصلی معضلات کشور از هر جهتی می‌باشد. ما بحق، خودتحریمی را در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در تمامی سطوح تحلیل شاهد هستیم و سعی خواهیم نمود در این مختصر تحقیق تجربی و علمی، که برخی از شواهد و مستندات غیررسمی نیز در آن مطرح خواهد شد، بیان نمایم.

تحریم‌ها متوجه زمینه‌های متعددی، از فرهنگ گرفته تا اقتصاد و سیاست است که در این میان تلاش‌های محروم‌ساز اعمال شده علیه کشور، به‌طور عمده اقتصادی و با رنگ بوی تحدید دستیابی و دسترسی کشور به بازارهای مالی و تجاری جهانی است. این واقعیت که تحریم‌ها

مشکلاتی برای کشور به وجود می‌آورند و موانعی بر سر چرخش اقتصادی و توسعه ایجاد می‌کنند، قابل انکار نیست. اما دو پارامتر نیز قابل ملاحظه است:

یک. فاصله زمانی که از اعلام تا اجرای تحریم‌ها به طول انجامید و از آغاز تحریم‌ها تا تشدید آنها وجود داشت از یک سو، و قابل پیش‌بینی بودن هدف تحریم‌های آتی از سوی دیگر، امکان برنامه‌ریزی و پیش‌بینی راهکارهای مناسب جهت مقابله و خنثی‌سازی تحریم‌ها را مهیا می‌ساخت. دو. عوامل و نارسایی‌های ساختاری در درون کشور وجود دارد که در کنار تحریم‌ها به‌عنوان شرط لازم، شرایط کافی را برای تامین اهداف تحریم‌کنندگان و تشدید فشار بر اقتصاد کشور فراهم کرده است.

بر این اساس، مقاله حاضر بر آن است پاسخی مناسب برای این پرسش اصلی بیابد که چه عواملی را در ساختار اقتصادی کشور و باورهای اجتماعی - فرهنگی مردم می‌توان یافت که می‌توانند زمینه‌ساز اثرگذاری و تشدید تاثیرات تحریم‌ها شوند؟ در پاسخ به این پرسش اصلی، ادعا شده است وجود برخی نارسایی‌های ساختاری داخلی در سطوح مختلف ساختار اقتصادی کشور همراه با برخی عقاید و باورهای اجتماعی - فرهنگی مردم و مسئولان موجب تشدید و زمینه‌سازی برای اثرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد شده است. این مقاله همچنین به برخی از سوالات فرعی همچون ماهیت ساختار اقتصادی کشور، کیفیت مدیریت دولتی و ساختار بروکراتیک کشور نیز می‌پردازد. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که سعی شده از منابع کتابخانه‌ای (کتب و مقالات) و منابع اینترنتی بهره گرفته شود.

نگاهی اجمالی بر تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران

تحریم‌های اعمال شده از سوی آمریکا

اولین مجموعه تحریم‌ها در نوامبر ۱۹۷۹ از سوی آمریکا و در واکنش به اشغال سفارت آمریکا در ایران اعمال شد. جیمی کارتر با صدور بیانیه ۴۷۰۲ که مربوط به تحریم واردات نفت از ایران بود، به سرعت واکنش نشان داد. دو هفته بعد، کارتر دستورالعمل اجرایی دیگری را صادر^۱ و تمام دارایی‌های دولت ایران در قلمرو آمریکا را ضبط کرد. پس از آن کارتر در تاریخ هفت

آوریل ۱۹۸۰ در راستای تکمیل دستور اجرایی ۱۲۱۷۰ و قطعنامه ۴۶۱ شورای امنیت سازمان ملل، با صدور دستور اجرایی شماره ۱۲۲۰۵، صادرات انواع کالا (به جز مواد غذایی و دارو)، مسافرت و حمل و نقل هوایی و دریایی به ایران و نیز معاملات مالی شامل اعطای وام جدید، خدمات سپرده و هرگونه انتقال وجه (به جز موارد خانوادگی) با ایران را تحریم کرد. کارتر به فاصله اندکی از اعلام قانون فوق، در ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ با صدور دستور اجرایی شماره ۱۲۲۱۱ دستور اجرایی شماره ۱۲۲۰۵ را تکمیل و واردات مستقیم و غیرمستقیم از ایران و هرگونه پرداخت به ایران حتی برای واردات قبلی را ممنوع کرد و به این ترتیب، از همان آغاز به طور مستقیم و هدفمند کانون تحریم‌ها را بر روابط اقتصادی مستحکم نمود.^۲ پس از امضای توافق نامه الجزایر در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ و آزادی گروگان‌ها، آمریکا همه دستورهای اجرایی مذکور به جز دستور انسداد دارایی‌ها را ملغی کرد.^۳

دوران ریاست جمهوری ریگان هم‌زمان با دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود و از همین رو با در نظر گرفتن شرایط جنگی تحمیل شده بر کشور، آمریکا با اعمال تحریم‌های مالی و فن‌آوری بیشتر درصد تنگ‌تر کردن دایره توانایی‌ها و ممانعت از پیروزی ایران در جنگ اقدام نمود. به همین منظور در ۱۳ ژانویه ۱۹۸۴ با متهم کردن ایران به دخالت در انفجار مقر نظامیان آمریکا در بیروت، ممنوعیت کمک‌های مالی و اعتباری، وام‌های بلاعوض، کمک‌های کشاورزی و تضمین‌های اعتباری به همراه تحریم تسلیحاتی علیه ایران اجرا شد. این تصمیم در ۱۹۸۷ در قالب سه دستورالعمل دیگر، به ممنوعیت صادرات قطعات صنعت هوایی، کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری خارجی به ایران و ممنوعیت واردات انواع کالا و خدمات از ایران تسری یافت. در نتیجه ممنوعیت واردات از ایران، واردات فرش و نفت تحریم شد.^۴

در طول دوره ریاست جمهوری بعدی آمریکا (کلینتون)، تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران به شکل چشم‌گیری افزایش یافت. در این دوره مجموعه تحریم‌ها در قالب هفت دستورالعمل اعلام شد. دستورالعمل اجرایی ۱۲۹۳۸ مورخ ۱۰/۱۴/۱۹۹۴ با محوریت تحریم تجاری و مالی کشورهای که قانون مقابله با توسعه سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی و بیولوژیکی را زیر پا گذاشته بودند، دومین دستور اجرایی مربوط به ممنوعیت معامله و مشارکت در توسعه

منابع نفتی ایران بود که به شماره ۱۲۹۵۷ مورخ ۱۳/۱۵/۱۹۹۵ اعلام و به اجرا در آمد. دستور اجرایی ۱۲۹۵۹ مورخ ۱۹۹۵/۵/۶ با موضوع ممنوعیت تجاری، مالی و سرمایه‌گذاری علیه ایران به بهانه حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی و تولید سلاح‌های کشتار جمعی، دستور اجرایی ۱۳۰۵۹ مورخ ۱۹۹۷/۸/۲۰ مبنی بر تاکید و صراحت بیشتر در مورد قانون ممنوعیت صادرات به ایران، دستور اجرایی ۱۳۰۹۴ مورخ ۱۹۹۸/۷/۲۸ مبنی بر تحریم فراسرزیمینی موشکی و هدف قرار دادن کشورها و شرکت‌هایی که به توسعه و پیشرفت صنایع موشکی کشور دیگر کمک می‌کنند، قانون INA کنگره مورخ ۲۰۰۰/۱۱/۱۴ که نسخه تاکید شده قانون تحریم موشکی ایران بود و بر تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی اشاره داشت و دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ مورخ ۲۰۰۱/۹/۲۳ که به رییس‌جمهور اجازه می‌دهد اموال نهادهایی که حامی تروریسم بین‌المللی شناخته شده‌اند را مسدود کرده و معاملات آمریکا با آنها را ممنوع نماید.^۵

مهم‌ترین و معروف‌ترین تحریم اعمال شده از سوی آمریکا علیه ایران در این دوران، قانون ILSA (داماتو) کنگره مورخ ۱۹۹۶/۵/۸ است که سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران را مورد هدف قرار داد. قانون ایلسا در ۱۹۹۶ و با وجود تشدید تحریم‌های قبلی بر ایران به تصویب مجلس سنا و نمایندگان آمریکا و امضای رییس‌جمهور رسید. در آخرین مراحل تصویب و به پیشنهاد سناتور کندی، لیبی نیز مشمول این قانون قرار گرفت. قانون ایلسا، سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنعت نفت و گاز ایران و لیبی را ممنوع اعلام کرد و یک سال بعد این مبلغ را به ۲۰ میلیون دلار کاهش داد. ایلسا اولین قانون تحریم فراسرزیمینی بود که طبق آن، ایالات متحده می‌توانست حتی شرکت‌های غیرآمریکایی که دادوستد بالای ۲۰ میلیون دلاری در حوزه میدان نفت و گاز ایران دارند را نیز مورد مجازات قرار دهد. تنها استثنا در آن اجازه دادن به مدیران شرکت‌های خارجی مشغول در ایران برای مسافرت به آمریکا بود. همچنین به رییس‌جمهور آمریکا اختیار داده شد برخی از شرکت‌های خارجی را به شرط آنکه هیچ‌گونه مساعدتی به سیاست به اصطلاح حمایت از تروریسم ایران و تولید سلاح‌های کشتار جمعی نکنند، از تنبیه مستثنی کند. این قانون در ۲۰۰۱ و همچنین ۲۰۰۶ تمدید شد.^۶

تحریم علیه ایران شامل تمدید قانون داماتو و تحریم دیگری در آغازین روزهای دوره حکومت

بوش پسر به امضا رسید تا کشورهایی که با ایران معامله می‌کنند، زیر فشار قرار گیرند و کنگره و سنای آمریکا نیز این تحریم‌ها را تشدید کردند. در ادامه اقدامات خصمانه ایالات متحده علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، مجلس سنای آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۶، اعتبار قانون تحریم شرکت‌های خارجی که در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری یا به این کشور تسلیحات می‌فروشند را به مدت پنج سال دیگر تمدید کرد. در ویرایش جدید این سند، شرکت‌های خارجی‌ای که تسلیحات معمولی نوین شده را به ایران عرضه می‌کنند نیز از این پس مشمول تحریم خواهند شد. در این دوران برای اولین بار مساله هسته‌ای ایران تحت عنوان «فعالیت هسته‌ای مخفی» مطرح شد.^۷

اوباما که با شعار تغییر بر سر کار آمده بود، خیلی زود و با امضای تمدید قانون داماتو - که جزو نخستین قوانین امضا شده توسط اوباما است - نشان داد سیاست اعمال تحریم علیه کشورمان کماکان جزو سرفصل‌های سیاست خارجی آمریکا قرار دارد. پس از آن نیز وزارت خزانه‌داری آمریکا، بانک مرکزی، بانک سپه، بانک صادرات، بانک صنعت و معدن، بانک رفاه کارگران و بسیاری از بانک‌های ایرانی همراه با صنعت بیمه کشور را مشمول تحریم‌های یک‌جانبه کرده است. این کشور همچنین شرکت‌های هواپیمایی ایران‌ایر، ماهان و کشتی‌رانی ایران را نیز مشمول اعمال تحریم‌های یک‌جانبه قرار داده است. باراک اوباما در روز شنبه ۱۰ دی ۱۳۹۰ (۳۱ دسامبر ۲۰۱۱) قانون تحریم بانک مرکزی ایران را نیز امضا کرد.^۸

تحریم‌های جدید نه تنها حوزه نفت ایران، بلکه موسسات مالی تمام کشورهایی را که با بانک مرکزی ایران دارای مرادده هستند، هدف قرار داده است و این بدان معناست که تمام موسسات مالی که با بانک مرکزی ایران در ارتباط هستند از فعالیت در آمریکا محروم می‌شوند.

تحریم‌های اعمال شده از سوی اتحادیه اروپا

در اعمال تحریم‌ها علیه ایران، اروپا بیش از آنکه خود اعمال تحریم نماید، در قامت یک همراه ظاهر می‌شود و سیاست‌ها و تصمیم‌های آمریکا را تقویت می‌سازد. از همین رو اتحادیه اروپا در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ به‌طور رسمی تحریم نفتی ایران را پذیرفت و با ضبط تمام دارایی‌های بانک مرکزی ایران موافقت کرد. طبق تحریم جدید، تمام قراردادهای مربوط به نفت خام و محصولات

نفتی میان ایران و ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا ممنوع اعلام شد. تا پایان ژوئن ۲۰۱۲ هم قراردادهای کنونی باید به حالت تعلیق درآیند.^۹

مقامات مذاکره‌کننده با وجود انجام مذاکرات با ایران، همچنان به وجود گزینه اعمال تحریم به‌عنوان یکی از راه‌های وارد کردن فشار به ایران به‌منظور تعطیل کردن برنامه هسته‌ای اشاره دارند.

تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل

در دسامبر ۲۰۰۶ شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ۱۷۳۷، وارد برنامه اعمال تحریم‌ها علیه برنامه هسته‌ای ایران شد. در این قطعنامه مجموعه تحریم‌هایی شامل تحریم تأسیسات حساس هسته‌ای و توقیف دارایی‌ها و شرکت‌های ایرانی مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای ایران را به تصویب رساند و به ایران ۶۰ روز فرصت داده شد تا غنی‌سازی اورانیوم را به حال تعلیق درآورد، هرچند جمهوری اسلامی ایران به این ضرب‌الاجل توجه نکرد.

دومین مجموعه از تحریم‌های شورای امنیت طی قطعنامه ۱۷۴۷، در مارس ۲۰۰۷ اعلام شد. در این مجموعه، تحریم‌ها شامل تحریم‌های جدید مالی و تسلیحاتی از جمله توقیف دارایی ۲۸ گروه، شرکت و افرادی بود که در فعالیت‌های هسته‌ای شرکت داشته‌اند یا از آن حمایت می‌کردند. این قطعنامه خواستار اجرای فصل هفت از بند ۴۱ منشور سازمان ملل شد و اجرای بیشتر مفاد آن را با حذف اقدام نظامی، اجباری کرد.

به فاصله یک سال یعنی در مارس ۲۰۰۸ در سومین قطعنامه شورای امنیت (۱۸۰۳)، تحریم‌های سازمان ملل محدودیت‌های مسافرتی و مالی بر افراد و شرکت‌ها را نیز افزایش داد و اجرای برخی از این محدودیت‌ها را اجباری کرد. همچنین برای اولین بار تحریم‌هایی به‌طور کلی برای اقتصاد ایران وضع گردید که از جمله کنترل صادرات و واردات ایران و به‌خصوص کالاهایی که دارای مصرف دوگانه در صنایع نظامی و غیرنظامی هستند، می‌باشد که اقتصاد ایران را برای تهیه مواد اولیه کارخانجات دچار دشواری‌های گسترده‌ای کرد.^{۱۰}

بررسی اجمالی ساختار اقتصادی ایران

اقتصاد ایران به‌عنوان یک اقتصاد تک‌محصولی که ارتباطات اندکی با اقتصاد بین‌الملل دارد، در حاشیه نظام بین‌الملل قرار گرفته است. سهم ایران در جهانی شدن اقتصاد و جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در مقایسه با کشورهای هم‌جوار و کشورهای جنوب شرق آسیا ناچیز است. تفکر درون‌گرایی و خودکفایی که سال‌های مدیدی بر اقتصاد ایران حاکم بوده، منجر به از دست رفتن فرصت‌های پیش آمده شده و کشور ایران را از تحولات اقتصاد بین‌الملل دور ساخته است. افزایش سریع حجم تجارت جهانی در سال‌های پایان قرن ۲۰ و آغازین قرن ۲۱، موجب افزایش حجم تجارت خارجی ایران نشده است. به عبارت دیگر، عملکرد تجارت خارجی ایران در دوره مذکور ضعیف بوده و نشانگر این موضوع است که واردات وابسته به نوسانات قیمت نفت می‌باشد.^{۱۱}

شاخص‌های اصلی اقتصاد ایران نظیر درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی در مقایسه با بسیاری از کشورهای در حال توسعه از روند مطلوبی برخوردار نبوده است. سهم بسیار اندک صادرات غیرنفتی در تولید ناخالص داخلی ایران و روند جاری نظام بازرگانی و سیاست‌های اقتصادی کشور، دورنمای بهتری از وضع فعلی را نوید نمی‌دهد. در این راستا عدم الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی نشانگر در حاشیه بودن این کشور از اقتصاد جهان می‌باشد.^{۱۲} به‌طور کلی ایران نیز مانند سایر کشورهای در حال توسعه در فرآیند گذار اقتصادی به سر می‌برد و نیازمند اتخاذ سیاست‌های تعدیل اقتصادی جهت ادغام در نظام اقتصاد بین‌الملل است. چگونگی اجرای این سیاست‌ها و موفقیت در اجرای این سیاست‌ها می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای الحاق به تجارت جهانی فراهم آورد.

یکی از ویژگی‌های اقتصاد ایران عدم رقابت‌پذیری در فرآیند جهانی شدن اقتصاد است. رقابت‌پذیری اقتصادی کیفی است که از طریق حاکمیت بازار و شکل‌گیری فعالیت‌ها بر پایه مزیت نسبی و رقابتی محقق می‌شود. هر چقدر رقابت‌پذیری کشورها در سطح جهان بیشتر باشد، آن کشور از ادغام در اقتصاد جهانی به واسطه دسترسی آسان‌تر به بازارهای خارجی بیشتر منتفع خواهد شد. در مقابل، کشوری که قدرت رقابت‌پذیری پایینی داشته باشد، نه تنها از ادغام در اقتصاد جهانی سود نمی‌برد، بلکه متضرر نیز می‌شود. با توجه به اینکه فرآیند ادغام در اقتصاد

جهانی از چند دهه قبل شروع شده و با حضور چشمگیر کشورهای در حال توسعه همراه بوده است، دور ماندن کشورمان از این جریان می‌تواند عواقب نگران‌کننده‌ای به همراه داشته باشد.^{۱۳} با توجه به اینکه شرایط مورد نیاز برای رقابت‌پذیری به شدت تغییر کرده و استفاده از فن‌آوری بالا به خصوص فن‌آوری ارتباطی و اطلاعاتی از اهمیتی ویژه‌ای برخوردار شده است، و همچنین با توجه به نیاز بیشتر به نیروی انسانی ماهر و تحصیل‌کرده، ضرورت توجه به این دو مساله در اقتصاد ملی ما به شدت احساس می‌شود.

به‌طور کلی طی سالیان دراز دولت در ایران نقش اصلی را در صحنه فعالیت‌های اقتصادی ایفا کرده است که یکی از ابعاد آن ایجاد بنگاه‌های دولتی جهت حصول به اهدافی نظیر ایجاد اشتغال، کمک به فرآیند رشد و توسعه، حمایت از منابع داخلی، حمایت از مصرف‌کنندگان داخلی، تامین منابع راهبردی برای کشور و ... می‌باشد. یکی از مهم‌ترین دلایل پررنگ بودن نقش دولت در فعالیت‌های اقتصادی کشور، وجود منابع فراوان نفت و گاز است.^{۱۴}

در واقع دولت با اتکا به درآمدهای نفتی نقش مهم‌ترین سرمایه‌گذار در کشور را ایفا کرده است، به طوری که بعد از افزایش قیمت‌های نفت بلافاصله شاهد افزایش فعالیت‌های اقتصادی دولت در بخش‌های مختلف بوده‌ایم.^{۱۵} دخالت دولت در اقتصاد ایران سابقه‌ای بس طولانی دارد و با وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ که با خروج تعدادی از سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع خصوصی از کشور همراه بود، شدیدتر شد. در ادامه با تجاوز عراق به ایران و درگیر شدن کشور در یک جنگ طولانی‌مدت، روند دولتی شدن اقتصاد کشور فزونی یافت. به‌رغم اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی که در ارتباط با خصوصی‌سازی است، هنوز حجم بالایی از فعالیت‌های اقتصادی کشور در دست دولت بوده و دولت عهده‌دار مدیریت واحدهای اقتصادی می‌باشد.^{۱۶} عملکرد ضعیف این شرکت‌ها و پایین بودن سطح کارایی آنها موجب شکل‌گیری اندیشه خصوصی‌سازی بیشتر شده است. در دوره‌های تاریخی متوالی سیاست‌های تعدیل اقتصادی طراحی شده و به مرحله اجرا درآمده است که در واقع موج اول آن با اتمام جنگ و آغاز برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ انجام گرفت. عمده‌ترین اهداف دولت در طی این سال‌ها از اجرای برنامه خصوصی‌سازی شامل ارتقای کارایی اقتصادی، ایجاد و تعادل اقتصادی و

استفاده بهینه از امکانات کشور همراه با کاهش حجم تصدی دولت در فعالیتهای اقتصادی بوده است.^{۱۷} طی سالیان اخیر نیز دولت به شکلی دیگر موضوع خصوصی سازی را پی گیری نموده و به نظر می رسد بیش از خصوصی سازی، نوعی عمومی کردن اقتصاد با مدیریت دولت در دستور کار قرار گرفته است؛ چرا که واگذاری به شکل سهام عدالت و یا واگذاری هایی که کمتر از ۵۰٪ بوده و یا واگذاری موسسات اقتصادی به برخی از نهادهای شبه دولتی مانند سازمان های نظامی را نمی توان خصوصی سازی به معنای واقعی در نظر گرفت.

حال با در نظر گرفتن موارد و موضوعات مطرح شده در باب ساختار اقتصادی کشور و تحریم های اعمال شده علیه ایران، مناسب است به عواملی که مصداق خودتحریمی و سبب ساز اثرگذاری بیشتر تحریم های اقتصادی علیه ایران می شود، نگاهی بیفکنیم.

یک. بروکراسی عریض و طویل داخلی

در حوزه اقتصادی، شاهد تحریم ایران در بخش های مختلف نفت، پول، بیمه، کشتی رانی، بانکداری، نظام مالی، روابط تجاری و ... بوده ایم. در این خصوص قبل از ۱۳۸۴ و پیش از شروع تحریم های با موضوع فعالیت هسته ای، برنامه ها و طرح های بزرگ اقتصادی و تجاری در بخش های مختلف اقتصاد از جمله نفت و گاز و پتروشیمی، نیروگاه، سدسازی، راه و جاده، مسکن و ... در قالب برنامه های توسعه پنج ساله چهارم، سند چشم انداز ۲۰ ساله و سایر برنامه های مهم تعریف شده و در مرحله طی نمودن مراحل اداری و بروکراتیک لازم برای اجرا بود. این برنامه ها و طرح های اقتصادی به گونه ای بود که در صورت تحقق کامل، می توانست زمینه ساز بازسازی و نوسازی زیرساخت های اقتصادی کشور و فراهم کننده آینده ای امیدبخش باشد. در این راستا نیاز بود از تمام توان کشور از جمله توان تزریق ارز به پروژه های نیازمند، تامین تجهیزات با کیفیت خارجی، استفاده از دانش فنی و تجربه عملی شرکت های خارجی، استفاده حداکثری از توان سرمایه گذاری های مستقیم و غیرمستقیم خارجی، کاستن از هزینه های غیرضروری با کوتاه کردن دست دلال های سودجو و ... استفاده شود.^{۱۸}

نگاهی اجمالی به ساختار اقتصادی ایران، گویای این واقعیت است که زمینه های تاریخی و

ساختاری، سبب‌ساز ناتوانی بخش خصوصی و غیردولتی در انجام پروژه‌های بزرگ شده و به‌طور کلی بخش غیردولتی به تنهایی توان تامین مالی، اجرای پروژه‌ها، دانش فنی لازم، تامین تجهیزات و ... را ندارد.^{۱۹} بخش خصوصی ایران بیش از داشتن شخصیت تولیدی و سازندگی، دارای شخصیتی خدماتی و واسطه‌گری بوده و اکثر فعالیت خود را در بخش‌های غیرمولد اقتصاد انجام می‌دهد.^{۲۰} و سوددهی، کم‌هزینه بودن و زودبازدهی فعالیت‌هایی مانند نقل و انتقالات مالی، بانکی، بیمه‌ای، ارایه خدمات جانبی، تجارت، بازارهای ارز و سکه و طلا و ساختار معیوب اقتصاد ایران، سبب جلوگیری از ورود به پروژه‌های پرهزینه و با خطر بالا و زمانبر تولیدی و اجرایی شده است.^{۲۱} با توجه به اینکه تصدی‌گری دولت در ایران زیاد بوده و اکثر پروژه‌های متوسط و بزرگ داخلی، پروژه‌هایی می‌باشند که در قالب بدنه دولتی و شرکت‌های زیرمجموعه آن تعریف شده و دستگاه متولی امر نیز یکی از شرکت‌های دولتی است، فضای حضور برای بخش غیردولتی و خصوصی بسیار تنگ شده و عملاً این دولت است که کارفرما و مجری پروژه‌ها می‌باشد.^{۲۲} این امر با نیاز این پروژه‌ها به تامین مالی بسیار زیاد شدت پیدا می‌کند؛ چراکه با ناتوانی بخش خصوصی در تامین مالی غیروابسته به دولت و شرایط بسیار سخت بنگاه‌های مالی برای تامین مالی پروژه‌ها، عملاً تامین‌کننده مالی دولت و شرکت‌های دولتی می‌باشند.

پروژه‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های تعریف شده به کوچک، متوسط و بزرگ و همچنین ملی و یا محلی تقسیم می‌شوند که هریک از آنها دارای تشریفات خاصی برای اجرا هستند. نگاهی کوتاه به بوروکراسی ایران نشان می‌دهد به‌دلیل ساختار معیوب اقتصادی و همه‌کاره بودن دولت در فعالیت‌های تولیدی و اجرایی بزرگ اقتصادی، برای انجام برنامه، طرح و یا پروژه‌ای باید مراحل مختلف که هریک نیازمند انجام تشریفات اداری زمان‌بر می‌باشد و جمعاً باعث وقفه طولانی در کار می‌شود، طی گردد. به‌طور کلی انجام یک پروژه دولتی مانند جاده، راه‌آهن، نفت یا گاز، نیاز به طی کردن حداقلی برای آماده شدن جهت اجرا می‌باشد، از جمله: تعریف و طراحی پروژه، تصویب پروژه در دستگاه مربوطه و در نظر گرفتن بودجه برای انجام مطالعات مربوطه، انجام مطالعات اولیه، انجام مطالعات نهایی و تهیه طرح توجیهی اقتصادی، فازبندی پروژه، اخذ مجوزات لازم از دولت و نهادهای مربوطه و برگزاری تشریفات اداری.

در مرحله اجرا نیز به دلیل وابسته بودن بسیاری از پروژه‌ها به دانش فنی غیربومی، تجهیزات خارجی و ارز، در صورت بروز مشکل به هریک از این موارد انجام پروژه با مشکل جدی مواجه خواهد شد. برای انجام یک برنامه، طرح و پروژه مشخص، چندین واحد و دستگاه اداری در نهادها و وزارتخانه‌های مختلف وجود دارد که هریک از این واحدها نیز خود را متولی امر دانسته و برای اجرای آن نیاز است نظر کلیه واحدهای مربوطه اخذ شود و در این مرحله است که پروسه زمانی ذکر شده، چندین برابر می‌شود؛ آن هم در صورتی که توافقی برای اجرا میان این واحدها به وجود آید.^{۲۳} به عنوان مثال، در اجرای یک نیروگاه گازی، وزارت نفت و شرکت‌های تابعه، کارگروه نفت نهاد ریاست جمهوری در تعیین سیاست‌های کلی و قیمت خوراک، وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه، هیات دولت، کنسرسیومی از بانک‌ها برای تامین مالی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، وزارت امور اقتصادی و دارایی، شرکت‌های سازنده و فروشنده تجهیزات داخلی و خارجی، استانداری محل نیروگاه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ... درگیر می‌باشند.

با شروع تحریم ایران و هدف‌گذاری ایجاد شکاف و در نهایت مختل ساختن چرخه ارتباط اقتصادی و تجاری ایران با سایر نقاط جهان، مشکلاتی جدی برای اجرای طرح‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های اساسی اقتصادی و اجتماعی که به نوعی ارتباط با خارج از کشور داشتند، به وجود آمد.^{۲۴} با توجه به اینکه لازم بود برای اجرای این پروژه‌ها و برنامه‌ها، تشریفات مربوطه طی شود، پروسه انجام کار در اکثر پروژه‌ها و برنامه‌ها به قدری به طول انجامید که محاصره تحریم که ابتدا تعداد اندکی از فعالیت‌های اقتصادی را شامل می‌شد و توان استفاده از سایر ظرفیت‌های غیرتحریمی وجود داشت را نیز دربرگرفت. حتی در برخی مواقع با وجود اینکه توافق‌ها و قراردادهای طرف‌های خارجی قبل از شروع تحریم‌ها به نتیجه رسیده بود، به علت تاخیرهای ناشی از زمان‌بر و طولانی بودن ساختار بوروکراسی، تحریم‌های جدید با شناسایی منافذ ارتباطی و راه‌های فرار آنها را نیز سد کرد و با این کار کلیه تعهدات و قراردادهای تحت تاثیر تحریم‌ها قرار گرفت؛ از جمله خروج شرکت‌های هوآوی، ساینوهایدرو، ساینوپک و شرکت ملی نفت چین از اقتصاد ایران، خروج کلیه شرکت‌های اروپایی و آمریکایی از اقتصاد ایران، تحریم بانک، بیمه،

کشتی‌رانی و ... ایران، و عدم ارایه تجهیزات به ایران. این موضوع در حالیست که در صورت توانمندی بخش خصوصی برای انجام پروژه‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های بزرگ و داشتن میدان مانور مناسب و توان تامین مالی بدون وابستگی به نهاد دولت، در صورت متصور شدن سود، مراحل پیش از مرحله اجرایی پروژه که تنها به دلیل وجود بوروکراسی اداری شدید حداقل پنج سال و نیم به طول می‌انجامد، می‌تواند به چند ماه کاهش پیدا کند؛ چراکه کلیه مراحل پیش از مرحله اجرایی نیازی به طی تشریفات رسمی و اخذ دستورات مافوق و در برخی مواقع عالی‌ترین مقام و نهادهای اجرایی را نداشته و نیازی به بررسی توجیه اقتصادی، اولویت طرح برای کشور جهت استفاده از بیت‌المال، تشریفات اداری و انجام مناقصات و ... را ندارد.^{۲۵}

فرصت‌های ارزشمند دیگری نیز در این چند سال برای توسعه و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی اساسی کشور وجود داشت که تنها به دلیل عریض و طویل بودن بوروکراسی، متولی‌گری شدید دولت در تمامی عرصه‌های اقتصادی و ناکارآمدی بخش خصوصی به هدر رفت. به‌عنوان نمونه، طی قراردادی که بین ایران و چین در ۱۳۸۸ و پس از چندین سال مذاکره به امضا رسید، قرار بود دولت چین به ازای سپرده‌گذاری پول نفت فروشی به این کشور در بانک مرکزی چین، چندین برابر برای پروژه‌ها و طرح‌های اولویت‌دار و دارای توجیه اقتصادی ایران تسهیلات مالی بدهد که در مجموع شاید بیش از ۵۰ میلیارد دلار پروژه در کشور را شامل می‌شد. در این خصوص نیاز بود که سریعاً آمایشی از پروژه‌های در اولویت در هر بخش انجام شده و ضمن انجام مقدمات مربوطه، برای تامین مالی به طرف چینی معرفی شود. اما متأسفانه به دلیل فوق‌الاشاره، نه تنها این مهم به تحقق نپیوست، بلکه پول نفت ایران که امکان سرمایه‌گذاری در کشور وجود داشت نیز در بانک‌های چین به امید ارایه تسهیلات باقی مانده است. مثال دیگر، درخواست‌های متعدد شرکت‌های توانمند و دارای دانش فنی و تجربه کاری و کاربر اروپایی و آسیایی برای ایجاد خطوط تولید در ایران و تولید در کنار انتقال دانش فنی به ایران است. با توجه به بحران اقتصادی و مالی جهانی و رکود اقتصادی که موجب پایین آمدن قدرت خرید مردم تمام نقاط دنیا شد، به تبع زنجیره تولید بسیاری از کالاها و اجناس با رکود مواجه گردید و شرکت‌ها با از دست دادن بازارهای قدیمی خود، توان فعالیت نداشتند. در این شرایط ایران یکی از بهترین

کشورهایی بود که بعد از انقلاب اسلامی و به خصوص بعد از سال‌های تحریم بازار خود را از اقتصاد جهانی تا حدودی به دور نگه داشته بود و یا به دلیل وجود رونق در سایر نقاط دنیا، شرکت‌های اروپایی و آسیایی بزرگ توجهی به بازار ایران نداشتند. در این شرایط بازار بکر ایران همراه با امکان ارتباط با بازار سایر کشورهای کمتر توسعه یافته همسایه خود و در دست گرفتن بازارهای آنها، مورد توجه شرکت‌های تولیدکننده اروپایی و آسیایی قرار گرفت. در این شرایط این شرکت‌ها درخواست ایجاد خط تولید در ایران و انتقال دانش فنی در ازای در اختیار گرفتن قسمتی از بازار ایران را داشتند. متأسفانه به دلیل کندی بیش از حد بوروکراسی ایران در جذب و بررسی چنین پیشنهادها و درخواست‌هایی، تعریف نشدن سازوکار مناسب در بدنه دولت برای سرعت بخشیدن به چنین درخواست‌هایی و گیر افتادن این شرکت‌ها در سیستم بوروکراسی طاقت‌فرسای ایران، نبود بخش خصوصی توانمند برای همراهی با این شرکت‌ها و ایجاد زمینه‌های مورد نیاز برای فعالیت و ایجاد خطوط تولید آنها^{۲۶} در کنار مختل شدن چرخه ارتباط اقتصادی و تجاری ایران با دنیای خارج با تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌ها موجب شد فرصت‌ها از دست برود.

دو. ناکارآمدی مدیریت دولتی

الف. نگاهی به نحوه مدیریت در ایران و نارسایی‌های آن

مدیریت دولتی در ایران به صورت سنتی و سیاسی است. این در وضعیتی است که به دلیل رانتی بودن دولت و تصدی‌گری بیش از حد آن در اقتصاد و اجتماع،^{۲۷} در صورت نبود مدیریت صحیح، نه تنها بسیاری از پروژه‌ها؛ طرح‌ها و برنامه‌های کشور اجرایی نخواهد شد، بلکه بسیاری از منابع مالی ناشی از فروش سخاوتمندانه ذخایر طبیعی نفت و گاز و معادن و مواد اولیه نیز به هدر رفته و در مسیر صحیح مورد استفاده قرار نخواهد گرفت. مدیریت سنتی و بی‌ثباتی مدیران،^{۲۸} موجب می‌شود دولت از انجام وظایف روزمره خود بازمانده و توان پاسخگویی به مردم را نداشته باشد.^{۲۹}

در کنار این موارد، به وجود آمدن مشکلاتی مانند تحریم خارجی دولت ایران، به دلیل اینکه ساختار اقتصادی ایران دولتی است، کلیه بخش‌های اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این شرایط، ضروری است در کنار داشتن برنامه مناسب برای عبور از موانع تحریم، سرعت عمل بسیار

زیاد داشته و با استفاده از منابع موجود در مردم و طرح‌های نوآورانه، زمینه بی‌تاثیر ساختن تحریم‌ها فراهم شود. در این شرایط است که ساختار اقتصادی کشور با مدیریت دولتی که سرعت عمل، نوآوری و برنامه‌ریزی ضربتی برای پیش‌آمدهای احتمالی را از واحدها می‌گیرد، به‌عنوان مکملی برای تاثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی در اقتصاد کشور می‌شود.

برای عدم مدیریت صحیح، می‌توان دو مثال مشخص از تحریم‌ها را ذکر کرد. اولین مثال، تحریم نفت ایران توسط کشورهای اروپایی و برخی کشورهای آسیایی است. در سال ۱۳۸۸ و با وزارت آقای میرکاظمی بر وزارتخانه نفت، در عرض حدود ۱۷ ماه حدود ۲۵۰ نفر از مدیران باتجربه، متخصص و متعهد وزارت نفت به‌طور کامل کنار گذاشته شدند^{۳۰} و جایگزین آنها، مدیرانی سیاسی، بدون تجربه کاری مناسب و ناآشنا به اصول مدیریت بودند. در کنار این موضوع که از زمان روی کار آمدن آقای میرکاظمی بسیاری از پروژه‌های عظیم نفتی، گازی، پتروشیمی، پالایشگاهی و ... وزارت نفت که می‌توانست با مدیریت صحیح محور توسعه کشور قرار بگیرد، هیچ‌گونه پیشرفت اجرایی نداشته‌اند، بایستی به موضوعی مهم‌تر اشاره کرد که مستقیماً نشان‌دهنده تاثیرات ناکارآمدی مدیریت در این وزارتخانه است. در همان سال، بحث تحریم‌های فلج‌کننده شامل تحریم فروش بنزین به ایران و در مراحل بعدی تحت فشار قرار دادن شرکت‌های نفتی برای عدم خرید نفت از ایران، مطرح شد و در سال ۱۳۸۹ تحریم بنزین ایران عملیاتی گردید. روند برنامه هسته‌ای و پافشاری ایران برای غنی‌سازی اورانیوم و رویکرد آمریکا و کشورهای غربی، به وضوح نشان می‌داد در آینده‌ای نه‌چندان دور دامنه تحریم‌ها به نفت نیز خواهد کشید. تغییرات مدیریتی دامنه‌دار وزیر وقت نفت، ناکارآمدی مدیران تازه‌کار و نداشتن بینش صحیح مدیریتی برای برنامه‌ریزی جهت بی‌تاثیر ساختن اثرات تحریم نفت ایران و اتخاذ رویکرد ابن‌الوقتی، سبب شد زمان به‌ضرر ایران عبور کرده و در نتیجه شاهد تحریم نفت ایران از سوی کشورهای اروپایی، آسیایی و شرکت‌های بزرگ جهان باشیم. در این راستا نه‌تنها اقدام مثبتی از سوی مدیران وزارت نفت صورت نگرفت، بلکه در برخی موارد شاهد تحریم‌های متقابل این شرکت‌ها و تسری دادن این جنجال‌ها به تعداد معدود شرکت‌های خارجی که علاقه‌مند به همکاری با ایران، با وجود شرایط سخت تحریم نیز بودند، هستیم که مصداق مستقیم خودتحریمی می‌باشد. اثرات این عدم مدیریت در یک وزارتخانه،

هم‌اکنون کل کشور را تحت تاثیر قرار داده، به گونه‌ای که مسئولان نظام مجبور به کنار آمدن با کشورهای غربی بعد از چندین سال ایستادگی شده‌اند. نمونه دیگر برای عدم مدیریت صحیح را در سیستم بانکی و مالی کشور شاهدیم که با وجود روشن بودن مسیر تحریم‌های کشورهای غربی در موضوع بانکی و مالی، با توجه به ناکارآمدی مدیریت، هیچ‌گونه تلاش و تفکری برای کاستن از تاثیرات تحریم‌ها صورت نگرفت و با اتخاذ سیاست صبر و انتظار و بدون برنامه‌ریزی، دامنه تحریم‌ها به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران کشیده شد. با توجه به اینکه بیشتر مبادلات اقتصادی و تجاری ایران با خارج از کشور نیز توسط دستگاه‌های دولتی انجام می‌شود و بانک مرکزی نیز متولی انجام امور مالی و بانکی دستگاه‌های دولتی است، شاهد ایجاد اختلال در ارتباطات اقتصادی و تجاری دولت با سایر کشورها هستیم که اثرات بسیار زیان‌باری در تورم، تهیه مایحتاج مردم با قیمت مناسب، تولید، اشتغال و ... دارد.

سه. فقدان و ضعف بخش خصوصی

بحث دیگر در حوزه خودتحریمی، بحث ضعف و یا حتی نبود بخش اقتصادی خصوصی در بسیاری از حوزه‌های اقتصادی مولد می‌باشد. با وجود اینکه مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ اجرای کامل اصل ۴۴ قانون اساسی برای واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت در بخش اقتصادی را صادر نمود، متأسفانه به جای خصوصی‌سازی کامل، در بسیاری از قسمت‌ها واگذاری‌های مردمی مانند واگذاری در قالب سهام عدالت اتفاق افتاد و سهم بخش خصوصی بسیار اندک بود که نتیجه بدتر از مدیریت دولتی قبلی بود؛ چرا که عملاً در مدل قبلی همه چیز دولتی بود و مدیریت نیز از سوی دولت انجام می‌شد، اما در مدل کنونی به اسم بخش خصوصی و با نفوذ دستگاه دولتی، بنگاه‌های اقتصادی بزرگ مانند بانک‌ها و شرکت‌های توانمند اقدام به فعالیت‌های اقتصادی می‌نمایند که نتیجه آن برای کشور نامناسب می‌باشد.^{۳۱} این امر سبب‌ساز مشکلات بسیاری شده است، از جمله سوءاستفاده‌های کلان تا بیکاری تعداد زیاد نیروها و فروش مواد اولیه کارخانه‌ها و ...^{۳۲}

در صورتی که خصوصی‌سازی تبدیل به یک هدف گردد و در این زمینه زیرساخت‌های

مدنظر از جمله ایجاد و یا داشتن بخش خصوصی توانمند و سایر زیرساخت‌ها تهیه نگردد، خصوصی‌سازی تبدیل به یک مشکل برای آن کشور خواهد شد. در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران، فقدان بازارهای مالی کارآمد و بدهکاری زیاد این شرکت‌ها و نیز نظرات متفاوتی که از بعد سیاسی - اجتماعی وجود دارد، می‌تواند این حرکت را با عدم موفقیت روبه‌رو کند.^{۳۳}

فقدان بخش خصوصی تصمیم‌گیر و توانمند، سبب شده است اجرای بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌ها و همچنین تولید بسیاری از اجناس مورد نیاز کشور با مشکل اساسی مواجه شود؛ چرا که اسما این واحدها از بدنه دولت جدا شده‌اند، اما به‌صورت رسمی در بخش مدیریتی، تامین سرمایه‌گردش برای تامین مواد اولیه و بدهی‌های کلان خود به بانک‌ها و سایر دستگاه‌های دولتی به دولت وابسته هستند.^{۳۴} این امر نیز موجب کندی پیشرفت بسیاری از طرح‌های عمرانی و زیرساختی و همچنین بروز مشکل در تامین و تولید ملی می‌شود. شاید بتوان دوره تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران را از جهت تولید ملی یکی از فرصت‌های استثنایی برای تمرین تولید ملی واقعی دانست؛ چراکه با افزایش نرخ ارز و بروز مشکل در ورود کالاهای مشابه خارجی و وجود تقاضا در مردم برای کالاهای تولیدی، بتوان به تولید ملی و شرکت‌های تولیدکننده سروسامان داد، اما مشکلات فوق‌الاشاره سبب شده است نه‌تنها این فرصت از بین برود، بلکه سبب‌ساز تهدیدی جدی شود؛ چرا که در تولید ملی علاوه بر مشکلات جاری شرکت‌های تولیدی، مشکل کارگری و فعالیت، واحدهای تولیدی با درصد بسیار کمی از ظرفیت خود کار می‌کنند.

مشکل دیگر ناشی از عدم واگذاری اختیارات به بخش خصوصی، ناتوانی آن در جذب شرکت‌های خارجی توانمند برای سرمایه‌گذاری در ایران و یا ایجاد خطوط تولید و انتقال دانش فنی به کشور است که موجب شده شرکت‌های خارجی با مراجعه به بوروکراسی طولانی دولتی، از فعالیت اقتصادی در ایران مایوس شده و در نتیجه فرصت‌های طلایی از بین برود. در حالی که بخش خصوصی قدرتمند مشروط به کاسته شدن از بوروکراسی‌های غیرضروری دولت، می‌توانست راهنمای خارجیان برای فعالیت در ایران و تسهیل‌کننده و انجام‌دهنده امورات داخل کشور بوده و زمینه‌ساز بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی، راه‌اندازی و نوسازی بسیاری از صنایع مادر و ... شود.

همچنین توانمند نبودن بخش خصوصی، سبب بی‌اعتمادی دولت در اطمینان به این بخش به‌عنوان شریکی مطمئن برای خود شده و در نتیجه بسیاری از پروژه‌های دولتی بلا تکلیف باقی‌مانده و یا توسط شرکت‌های دولتی به اجرا درمی‌آید که این موضوع موجب طولانی و طاقت‌فرسا شدن آنها، کمبود بودجه، غیراقتصادی شدن آنها و بسیاری مشکلات عدیده دیگر می‌شود. بزرگ‌ترین مشکل بخش خصوصی در این حوزه نیز ناتوانی مالی برای شراکت برابر و یا تامین مالی است.^{۳۵}

در کنار بخش خصوصی، بایستی سازوکارهای مشخصی وجود داشته باشد که ضمن تجمیع آراء و نظرات مردم و انتقال آن به قسمت نهاد سیستم و نظام سیاسی، سبب‌ساز نوعی نظارت مردمی برای فعال ساختن مردم در سرنوشت خود شود؛^{۳۶} چرا که اکنون شاهد این هستیم که نهادهای قانون‌گذار، بوروکراسی گسترده و مدیران به‌دلیل اینکه نظارتی مستمر و فعال که دربرگیرنده مشکلات به‌روز مردم باشد، وجود ندارد، گویا خود را در برابر ملت مسئول ندانسته و تاحدی خود را از ملت جدا می‌بینند. این امر نیز سبب‌ساز دوچندان شدن مشکل تحریم شده است؛ چراکه مستقیماً فشار تحریم‌ها به مردم انتقال داده شده است؛ تورم، بیکاری و فقر از جمله این موارد است.

چهار. فقدان و ضعف سیستم قانون‌گذاری داخلی همگام با وضع تحریم‌ها

با شروع تحریم‌های ایران از سال ۱۳۸۴ و افزایش فشار با تصویب تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و کشورهای اروپایی در سال‌های اخیر، وضعیت اقتصادی در داخل کشور تحت تاثیر قرار گرفته و واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی گویای شرایط نامساعد اقتصادی کشور می‌باشد. ایران هم‌اکنون در شرایط تقابل کامل اقتصادی با کشورهای غربی و در برخی موارد با دنیا می‌باشد، لذا بیش از همه چیز نیاز به برنامه‌ریزی، پیش‌بینی، کنترل وضعیت اقتصادی، اجتماعی و به‌طور کلی فراهم ساختن زمینه‌های قانونی مقابله با تحریم‌ها احساس می‌شود. همان‌گونه که تحریم‌های هوشمند کشورهای غربی نشان از برنامه‌ریزی و مطالعه دارد و هدف‌گذاری خود را برای مختل ساختن اقتصاد و روابط تجاری ایران قرار داده است، بایستی در مقابل نهاد متفکر، برنامه‌ریز و

قانون‌گذاری در راستای پیش‌بینی وقایع آتی و برنامه‌های دشمن و زمینه‌سازی برای بی‌تأثیر ساختن تحریم‌ها و جهت‌دهی قانونی به نهادهای اجرایی برای عبور از موانع وجود داشته باشد.^{۳۷} با توجه به تصدی‌گری دولت در ایران، انجام هرگونه اقدامی نیازمند مصوبه قانونی از مجلس شورای اسلامی است؛ چراکه در غیر این صورت غیرقانونی و جرم تلقی می‌شود. برای فعالیت بخش‌های غیردولتی نیز وجود قوانین متناسب جهت تسهیل و رونق فعالیت و تعریف روابط میان دولت و مردم، مردم با یکدیگر و مشخص شدن حدود اختیارات لازم و ضروری است.

حال با مدنظر قرار دادن اهمیت نهاد قانون‌گذاری برای تعریف درست روابط و اتخاذ راه‌کارهای مناسب برای عبور از موانع به صورت قانونی، بایستی به این سوال پاسخ داد که قوه مقننه به‌عنوان تنها نهاد قانون‌گذار در کشور، تا چه حد برنامه‌ریزی، نظارت، تفکر و راه‌کار جهت مقابله با تحریم‌ها و ایمن‌سازی سیستم اقتصادی کشور از اثرات سوء آنها با اتخاذ برنامه‌ها و قوانین درست داشته است؟

بررسی قوانین و مقررات تصویب شده از ۱۳۸۴ تاکنون همراه با لوایح و طرح‌های ثبت‌شده در سیستم مجلس شورای اسلامی، نشان می‌دهد که این نهاد اقدام عملی کارسازی برای بی‌تأثیر ساختن تحریم‌ها و زمینه‌سازی برای رفع مشکلات اقتصادی کشور با استفاده از ارایه راه‌کارهای مناسب برای تسهیل در توسعه اقتصاد، بهبود فضای کسب و کار، تسهیل روابط ایران با سایر کشورها، ملزم ساختن دولت برای برداشتن گام‌های عملی مناسب در جهت دور زدن تحریم‌ها و به‌طور کلی داشتن برنامه‌ای منظم و مدون برای مقابله قانونی با استفاده از راه‌کارهای مناسب و متناسب نداشته است. تنها اقدامات صورت گرفته از سوی این نهاد مهم، صدور برخی بیانیه‌ها و تصویب قوانینی جهت کاهش روابط سیاسی ایران با برخی کشورهای معاند می‌باشد که این امور نیز در مقابل هجمه همه‌جانبه اقتصادی کشورهای غربی با استفاده از اهرم تحریم کفایت نمی‌کند. درحالی‌که حداقل انتظار مردم از این نهاد که به‌عنوان خانه ملت شناخته می‌شود، تشکیل کمیسیون ویژه‌ای به‌عنوان اتاق فکر جهت سازماندهی و برنامه‌ریزی و هم‌فکری با اندیشمندان و مقامات دولتی برای یافتن راه‌کارهای مناسب است.^{۳۸}

پنج. هم‌گام نبودن دستگاه‌های نظارتی با شرایط تحریمی کشور

تحریم‌های اقتصادی شرایطی را برای اقتصاد کشور به‌وجود آورده که نیاز است حداقل برای کاستن از تاثیرات منفی آنها و برنامه‌ریزی برای کنترل آنها و مطابقت دادن مجموعه‌های اقتصادی با شرایط جدید، اقداماتی ضروری و عاجل از سوی مجموعه‌های اقتصادی دولتی و خصوصی انجام شود. اتخاذ چنین تدابیری با توجه به اینکه اصلی‌ترین هدف تحریم‌ها بخش‌های دولتی اقتصاد کشور می‌باشند، ضروری‌تر به نظر می‌رسد. این مجموعه‌های اقتصادی دولتی ملزم به رعایت قوانین و مقررات مالی و اداری مصوب نهادهای قانون‌گذار بوده و این قوانین و مقررات است که اساس روابط و فعالیت‌های آنها را مشخص می‌کند. لذا هرگونه اقدام خارج از چارچوب و مقررات تنظیم و تدوین شده، تخطی و تخلف به حساب آمده و مستوجب برخورد قانونی است. نهادهای نظارتی از جمله دیوان محاسبات کشور و سازمان بازرسی کل کشور، وظیفه دارند اقدامات دستگاه‌های دولتی و غیردولتی را از جهت مطابقت اقدامات آنها با قانون بررسی کنند.

با توجه به موارد فوق‌الذکر، هرگونه اقدام خارج از چارچوب تعیین شده در قانون، به‌عنوان تخلف توسط نهادهای نظارتی ثبت شده و با دستگاه خاطی برخورد می‌شود. در اینجا ضرورت به‌روز بودن دستورالعمل‌های نهادهای نظارتی با شرایط تحریمی کشور و در نظر گرفتن برخی راه‌کارهای اتخاذ شده از سوی دستگاه‌ها به‌عنوان راه‌کارهای فرار و کم‌تاثیر ساختن اثرات تحریم‌ها لازم به نظر می‌آید. در این قسمت سوالی که باید پاسخ مناسب داده شود، این است که آیا نظارت صورت گرفته از سوی نهادهای نظارتی به مجموعه‌های اقتصادی کشور با در نظر گرفتن شرایط تحریم و با دستورالعمل‌های به‌روز می‌باشد؟

نگاهی به قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌هایی که بر اساس آنها کار نظارت بر مجموعه‌های اقتصادی انجام می‌شود، گویای این مطلب است که حداقل از حدود ۱۰ سال قبل تاکنون بازنگری موثری با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی داخلی و خارجی کشور صورت نگرفته است که این موضوع خود گویای نه‌تنها وجود راه‌کار مناسب برای مرتفع ساختن موانع ناشی از تحریم‌های اقتصادی، بلکه جلوگیری از انجام هرگونه اقدام عاجل فراقانونی نیز می‌باشد.^{۳۹}

این موضوع مورد اذعان مقامات و مسئولان نظارتی نیز بوده است، به‌گونه‌ای که با ناکارآمد و

ناهم‌خوان با شرایط کنونی دانستن رویه‌های نظارتی دیوان محاسبات کشور، دادستان این نهاد نظارتی از برنامه و قصد خود برای به‌روز و کارآمد کردن دیوان محاسبات کشور سخن به میان آورده است.^{۴۰}

شش. موازی‌کاری در حوزه سیاست خارجی

دستگاه دیپلماسی برای اجرای هرچه بهتر وظایف محوله، نیازمند داشتن مدیریت مناسب و اختیارات زیاد و یک‌پارچگی در تصمیم‌گیری و اجرا می‌باشد. وجود چندصدایی در تصمیمات سیاست خارجی و فعالیت نهادهای مختلف در این حوزه، موجب ابهام در سیاست خارجی یک کشور و گاهی بروز ذهنیت تعارض و اختلاف در تصمیمات سیاست خارجی یک کشور می‌شود.^{۴۱} در کشور در تمامی حوزه‌های ذکر شده، شاهد وجود موازی‌کاری‌های بسیار نامناسب می‌باشیم، به‌گونه‌ای که بسیاری از دستگاه‌های اجرایی و حتی قانون‌گذار بدون استفاده از نظرات کارشناسی وزارتخانه‌ها و نهادهای عهده‌دار امور خارجه مانند وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات و شورای عالی امنیت ملی، اقدام به تصمیم‌گیری و اجرا می‌کنند که موجب بروز تفکر چندصدایی در اذهان مقامات و مسئولان کشورهای خارجی در مواجهه با ایران می‌شود. این امر به‌نوعی بلا تکلیفی منجر شده و توان دستگاه دیپلماسی کشور را در مدیریت بسیاری از مشکلاتی که برای کشور به‌وجود می‌آید، تحلیل می‌برد. تحریم نیز یکی از این مشکلات است که نیازمند مدیریت صحیح و داشتن اتاق فکر مناسب و قدرتمند و موازی‌کاری‌های مناسب در روابط اقتصادی و سیاست خارجی برای مقابله با آن می‌باشد.

این در حالی است که در خارج از کشور به رهبری آمریکا شاهد ایجاد حداقل نوعی هم‌صدایی علیه ایران، با وجود اینکه منافع بعضی از کشورها را نیز تهدید می‌کند، هستیم. شاهد این موضوع به تصویب رسیدن سه قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل و چندین تحریم یک‌جانبه از سوی آمریکا و اتحادیه اروپاست که قبلاً ذکر آنها رفت. وجود موازی‌کاری در سیاست خارجی، موجب ناتوانی در بسیج منابع برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی نیز می‌شود^{۴۲} و یکی از موارد بارز خودتحریمی است.

شرایط تحریم، نیازمند وجود یک سیاست خارجی است که در منافع و اهداف اصلی آن اجماع ملی حاصل شود، روش مناسب برای پیشبرد این اهداف اتخاذ شود، نقاط ضعف و قوت سیاست خارجی کشورهای خارجی به صورت منسجم بررسی و در نهایت یک سیاست خارجی منسجم رو به هدف با یک روش مناسب اتخاذ گردد.^{۴۳}

سیاست خارجی ایران در سال‌های اخیر نتوانسته است موجب ارتباط و تفاهم و رفع مشکلات موجود بین ایران و سایر کشورهای جهان شود و راه‌حل‌های مناسبی برای مفاهمه و رفع مشکلات اتخاذ نماید.

هفت. باورهای بعضا نادرست مردم

دید مردم و مسئولان در خصوص آثار و تبعات تحریم‌های اعمالی علیه ایران در آینده کشور و ایستادگی در مقابل آنها بسیار مهم و حایز اهمیت می‌باشد، به گونه‌ای که اگر تحریم‌ها به صورت بسیار بدبینانه و فلج‌کننده نگریسته شود و به نوعی خود را مقهور این تحریم‌ها تلقی کنیم، امکان مقابله و ایستادگی بسیار سخت خواهد بود. شیوع چنین نگرشی در بین برخی از خواص بود که باعث شد مقام معظم رهبری با تعبیر وضعیت کشور ایران به «وضعیت مسلمانان در جنگ‌های بدر و خیبر و نه در وضعیت شعب ابی‌طالب»، اهمیت خودباوری و خوداتکایی را گوشزد نموده و به مقابله با جنگ‌های روانی بسیار زیاد کشورهای غربی بپردازند.^{۴۴} چراکه مستولی شدن این فکر، موجب از پیش بازنده دانستن خود و مستاصل شدن در برابر تحریم‌ها می‌شود که این امر نیز بیش از خود تحریم‌ها می‌تواند مشکل‌ساز شود. در حالی که در صورت فعال شدن مردم و مسئولان کشور در همه حوزه‌ها و خروج از ذهنیت خودباختگی، سبب ساز پیشرفت خواهد شد.^{۴۵} زیرا نخست اینکه، راه‌حل‌های بسیار زیاد اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی و ... برای دورزدن و بی‌اثر ساختن تحریم‌ها وجود دارد که در صورت رفع نواقص فوق‌الذکر و با ایجاد وحدت حول محور ولایت، عبور از چنین مشکلاتی به آسانی امکان‌پذیر است؛ دوم اینکه ما به‌عنوان شیعه و مسلمان در متون اسلامی خود بحث‌هایی مثل نفی سبیل و اینکه خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر به‌دست خودشان را داریم.

وجود باورهای نادرستی مانند آمریت و قانون‌گریزی، ذهنیت توطئه‌گر، تقلید و خردناورزی،^{۴۶} منافات انباشته‌های تاریخی فرهنگ ایرانیان با روح ابتکار و علم‌پذیری، مشکل ناتوانی در سهیم شدن با دیگران که سبب بروز مشکلات بسیار زیاد در پیشرفت و توسعه کشور شده است،^{۴۷} از دیگر مشکلات فرهنگی بسیار جدی ایرانیان است که فی‌نفسه موجب بروز مشکل در کشور شده و در شرایط تحریم، باعث گره خوردن بسیاری از موارد به یکدیگر و ناتوانی در حل بسیاری از موارد می‌شود.

نتیجه‌گیری

آمریکا و کشورهای اروپایی با اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و تشدید آنها از ۱۳۸۴ با تصمیم دولت نهم برای غنی‌سازی اورانیوم، سعی نموده‌اند چرخه‌های اقتصادی ایران را از هم گسسته و با قطع ارتباط اقتصادی و تجاری جمهوری اسلامی با خارج از کشور، شرایط را برای ایران سخت بگیرند تا در ضمن این کار، کشور را به سمت اهداف خود سوق دهند.

بررسی ساختار اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی ایران نشان داد که تجدید نشدن این ساختار به تناسب شرایط اقتصادی و نیازهای روز، دولتی بودن اقتصاد ایران و ناتوانی بخش خصوصی در همراهی اقتصاد کشور، مدیریت ضعیف و ابن‌الوقتی مسئولان کشور در قوای مختلف اجرایی، تقنینی و نظارتی همراه با وجود برخی باورهای نادرست میان مسئولان و مردم، سبب شده است ظرفیت‌های بسیار زیاد موجود در کشورمان نه‌تنها بلااستفاده باقی بماند، بلکه در مواجهه با شرایط تحریمی، موجب بروز مشکلات در داخل کشور شود.

این نگارش که برآمده از واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی حاضر ایران است، نشان داد در صورت رفع کاستی‌های موجود در ساختار کشور و داشتن اتحاد حول محور رهبری، نه‌تنها عبور از موانع ایجاد شده توسط کشورهای غربی به رهبری آمریکا بسیار آسان می‌باشد، بلکه می‌توان با تبدیل این تهدیدات اعمال شده به فرصت‌های تاریخی، زمینه خروج کشور از وابستگی به درآمدهای نفتی را فراهم نمود و با اتخاذ تدابیری برای تمرین ملی جهت تولید و مصرف ملی،

زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی را برای این نسل و نسل‌های آتی و در پی آن
زمینه‌های پیشرفت کشور فراهم شود.
این نوشتار کوششی هرچند مختصر در راستای شناسایی نقاط ضعف خود جهت بهبود برای
حرکت در راستای اعتلای اسلامی و ایرانی بوده و می‌تواند زمینه مطالعه در این حوزه را
به‌وجود آورد.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. بیانیه ۱۲۱۷۰، آرشیو اسناد ملی آمریکا، در سایت: www.archives.gov
۲. آرشیو اسناد ملی آمریکا، همان.
۳. عبدالغنی احمدی واستانی، «شرح مختصر بیانیه‌های الجزایر»، *مجله حقوقی*، شماره ۱، زمستان ۱۳۶۳، ص ۲۳.
۴. سهیل شاهینی، *چالش‌های اقتصادی ایران و آمریکا در بعد از انقلاب*، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳.
۵. آرشیو اسناد ملی آمریکا، پیشین.
۶. سهیل شاهینی، پیشین، ص ۱۱۵.
۷. گزارش شماره RS20871، کتابخانه کنگره آمریکا، آخرین بازنگری امارس ۲۰۱۱، در سایت: <https://openers.com/document/RS20871>
۸. خبرگزاری مهر، ۱۱ دی ۹۰.
۹. خبرگزاری لس‌آنجلس تایمز، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۲، اتحادیه اروپا تحریم نفت ایران را تصویب کرد، در سایت: <http://latimes.com>
۱۰. خبرگزاری فرارو، ۱۴ اسفند ۱۳۸۶، دکتر بیگدلی با اشاره به صدور قطعنامه ۱۸۰۳ «امنیت واردات و صادرات ایران به خطر می‌افتد».
۱۱. علیرضا کازرونی، «جهانی شدن اقتصاد و راهبرد گسترش صادرات»، *نشریه سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۴۸-۱۴۷، آذر و دی ۱۳۸۲، ص ۲۰۲.
۱۲. *روزنامه ایران*، «جایگاه اقتصاد ایران در جهان»، سال نهم، شماره ۲۶۳۷، ۸۰/۱/۲۱.
۱۳. لستر تارو، *آینده سرمایه‌داری*، ترجمه عزیز کیاوند، تهران: نشر آگه (دیدار)، ۱۳۷۶، ص ۱۳۰.
۱۴. همان، ص ۲۵۶.
۱۵. قدیر نصری، *نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، صص ۹۵-۶۳.
۱۶. محمد مهدی بهکیش، *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*، تهران: نشر نی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹، صص ۱۲۴-۱۲۱.
۱۷. غلام‌عباس مصلی نژاد، *آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران*، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷.
۱۸. حسین عظیمی، *مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران*، تهران: نشر نی، ۱۳۹۰، صص ۹۸-۹۷.
۱۹. مهدی مرتضوی و دیگران، «ررسی الزامات و موانع اجرایی و اداری توسعه مشارکت عمومی - خصوصی در ایران»، *مجموعه مقالات همایش ملی مشارکت عمومی و خصوصی در توسعه زیرساخت*، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۱، ص ۸۸۸.
۲۰. حسین عظیمی، پیشین، ص ۹۶.
۲۱. نادر مهرگان و کاظم یآوری، «جریان سرمایه از بخش‌های مولد به بخش خدمات در اقتصاد ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۳.
۲۲. مصطفی آذری، *تحریم اقتصادی: آثار و پیامدها، سیاست‌ها و راه‌کارها*، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸.
۲۳. فروزنده دهکردی، «لطف‌الله، ده برنامه تحول در نظام اداری بسترساز مشارکت عمومی و خصوصی»، *مجموعه مقالات*

- همایش ملی مشارکت عمومی و خصوصی در توسعه زیرساخت، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۱، ص ۸۱۱.
۲۴. مصطفی آذری، پیشین، صص ۱۶۰-۱۷۵.
۲۵. فروزنده دهکردی، پیشین، صص ۸۰۳-۸۰۵.
۲۶. همان، ص ۸۰۵.
۲۷. مسعود نیلی، اقتصاد و عدالت اجتماعی، تهران: نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۹۰، صص ۷۴-۷۵.
۲۸. محمدعلی کاتوزیان، ایران، جامعه کوتاه‌مدت، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۹۱، صص ۹-۱۰.
۲۹. محمود سریع‌القلم، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۳، صص ۱۱۷-۱۲۹.
۳۰. خبرگزاری خبرآنلاین، ۱۳۸۹/۱۱/۱۶، «تغییر ۲۵۰ مدیر نفتی در دوران وزارت میرکاظمی بر وزارت نفت»، در سایت: <http://www.khabaronline.ir>
۳۱. محمدمهدی بهکیش، پیشین.
۳۲. مسعود نیلی، ، پیشین.
۳۳. فروزنده دهکردی، پیشین، ص ۷۹۸.
۳۴. مهدی مرتضوی و دیگران، پیشین، صص ۸۸۸-۸۹۰.
۳۵. همان، ص ۸۸۳.
۳۶. علیرضا ازغندی، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر قومس، چاپ اول، ۱۳۸۵، صص ۲۱۸-۲۲۸.
۳۷. مصطفی آذری، پیشین، صص ۲۱۱-۲۱۲.
۳۸. وب سایت مجلس شورای اسلامی، گذر قوانین و مقررات، در سایت: www.majlis.ir
۳۹. وب سایت دیوان محاسبات کشور و سازمان بازرسی کل کشور، «گذر رویه‌های نظارتی و بازرسی».
۴۰. خبرگزاری پانا، ۱۳۹۱/۴/۱۷، مصاحبه دادستان جدید دیوان محاسبات، تیتراژ: باید نظارت دیوان محاسبات را روزآمد کنیم/هدف دیوان محاسبات مچ‌گیری نیست در سایت: www.pana.ir
۴۱. سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۹، صص ۲۴۶-۲۵۲.
۴۲. همان، ص ۲۴۷.
۴۳. مصطفی آذری، پیشین.
۴۴. خبرگزاری مقام معظم رهبری، سایت: www.khamenei.ir
۴۵. مصطفی آذری، پیشین، صص ۲۱۳-۲۱۵.
۴۶. علیرضا ازغندی، پیشین، صص ۷۷-۸۲.
۴۸. محمود سریع‌القلم، پیشین.